

سودای باکو برای بازکردن پای بیگانگان به خزر

یکی از حوزه‌هایی که همواره در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان نسبت به آن توجه و حساسیت خاصی وجود داشته است، حوزه خزر است

گ/سرویس آذربایجان

با توجه به تحرکات چند سال اخیر آذری ها نسبت به افزایش نظامی گری در خزر و همچنین برقراری ارتباط گسترده با نیروهای فرمانطقه ای و حتی بعضاً دعوت از آنها برای حضور نظامی در منطقه، حساسیت های زیادی نسبت به روابط خارجی باکو ایجاد شده است. با نزدیکی آذربایجان به امریکا و اسرائیل و دامنه همکاری های نظامی باکو با آنها این حساسیت ها افزایش یافته است. به نحوی که ایران به عنوان یکی از مهم ترین همسایه های آذربایجان، همواره با دیده تردید به همکاری های نظامی باکو با واشنگتن و تل آویو نگریسته است و این امر را یک تهدید جدی در منطقه خزر جهت نظامی کردن این دریا تلقی کرده است.

نگاه آذربایجان به خزر عمدتاً مبتنی بر بهره برداری از منابع انرژی و به دست آوردن درآمد کلان از این طریق می شود. به خصوص که چاه ها و حوزه های نفتی شناخته شده و قابل بهره برداری جمهوری آذربایجان نظیر گونشلی، چراغ، آذری و کپز، همگی در سواحل این کشور در دریای خزر قرار دارند. از این رو با توجه به نیازهای مالی آذربایجان، این کشور بدون اینکه رژیم معینی برای خزر وجود داشته باشد، با کمک شرکت های خارجی دست به اکتشاف و بهره برداری نفتی زده که البته این عمل همواره با مخالفت کشورهای همسایه مواجه شده است. زیرا آذربایجان برای بهره برداری از منافع نفتی دریای خزر براساس قوانین بین المللی دریاهای عمل کرده که فقط برای دریاهای آزاد قابل اجرا است. مطابق با این روش که دریا را براساس طول ساحل کشورهای حاشیه تقسیم می کند، طول مرزهای آذربایجان افزایش می یابد و در نتیجه سود فراوانی نصیب باکو می شود. مهم ترین ابزار و استدلال جمهوری آذربایجان در مباحثات مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر، رویه جاری در دوران اتحاد جماهیر شوروی است.

در این راستا آذربایجان با افزایش سطح تماس ها و رایزنی ها با عقد قراردادهای دو و سه جانبه با روسیه و قزاقستان سعی کرده سهم خود را از خزر مشخص کند. بر این اساس باکو اعتقاد دارد که عقد قراردادهای مشابه با تهران و عشق آباد می تواند رژیم حقوقی دریای خزر را کاملاً مشخص سازد. به همین سبب نیز آذربایجان در سند امنیت ملی خود، ضمن پافشاری بر تداوم بهره برداری از منابع انرژی خزر، مهم ترین فعالیت های کلیدی باکو در جهت تضمین امنیت ملی جمهوری آذربایجان در ارتباط با انرژی را به شرح زیر تعیین کرده است:

۱. توسعه و استخراج منابع موجود و قابل پیش بینی نفت و گاز در بخش آذری دریای خزر؛

۲. ساخت و استقرار سکوهای نفتی و گازی مدرن؛

۳. تضمین امنیت امکانات تعیین کننده منافع اقتصادی و ژئواستراتژیکی کشورهای ساحلی خزر و همچنین کنترل و کاهش خطرات رو به رشد در منطقه؛

۴. شناسایی و ارزیابی تهدیدات خطوط و پایانه های اصلی نفت و گاز و پیشگیری از وقوع حوادث احتمالی.

به هر حال آذربایجان در چارچوب توافقنامه های دوجانبه و سپس با امضای توافقنامه ای سه جانبه، راه خود را برای استفاده از منابع زیر بستر در مناطق شمالی و مرکزی هموار کرده است. به همین سبب نیز اقدامات آذربایجان در زمینه کشف و استخراج انرژی از دریای خزر، باعث به وجود آمدن تنش های زیادی شده است. به نحوی که حتی یکبار در ماه جولای ۲۰۰۱، میان ایران و آذربایجان برای اولین بار در دریای خزر و در ۱۵۰کیلومتری جنوب شرقی باکو درگیری نظامی روی داد. ماجرا بدین شرح بود که در سال ۱۹۹۴، وقتی آذربایجان يك قرارداد اکتشاف نفت را تحت عنوان «قرارداد قرن» با يك كنسرسیوم بین المللی امضا کرد، در ابتدا برای ایران يك سهم ۵درصدی مشارکت در این كنسرسیوم در نظر گرفته بود که در آوریل ۹۵تحت فشار امریکا، سهم ایران را از كنسرسیوم حذف کرد. از آن زمان به بعد با وجود شرکت ایران در يك پروژه حفاری نفتی آذربایجان، اختلافات ایران و آذربایجان تشدید شد. در جولای ۲۰۰۳، يك کشتی جنگی ایرانی از ادامه حرکت يك شناور که در حال عملیات اکتشاف نفت بود، جلوگیری کرد. البته پیش از وقوع هر نوع برخورد نظامی، تهران به شناور شرکت «بریتیش پترولیوم» هشدار داد و يك هواپیمای جنگی هم بر فراز آن به پرواز درآمد. اگرچه باکو به شدت این عمل را تقبیح کرد و آن را تجاوز به حریم دریایی و هوایی خود دانست، با این حال درگیری جدیدی میان دو کشور روی نداد. به طور کلی آذربایجان از جهات مختلف، دیدگاه های متعارضی نسبت به سایر کشورهای ساحلی خزر دارد. این دیدگاه های متضاد هم در نحوه تعیین رژیم حقوقی خزر و هم درخصوص چگونگی بهره برداری از منابع طبیعی و نظام امنیتی منطقه کاملاً مشهود است.

به عنوان نمونه در شرایطی که اغلب کشورهای ساحلی خزر در این خصوص که بیگانگان نباید در این دریا حضور داشته باشند، اشتراک نظر دارند، جمهوری آذربایجان عموماً به مخالفت با چنین امری پرداخته و حتی در برخی مواقع نیز خواهان حضور کشورهای فرمانطقه ای در خزر شده است. به نظر می رسد در شرایط کنونی، باز شدن پای نیروهای فرمانطقه ای به ویژه ایالات متحده امریکا به دریای خزر می تواند برگ برنده ای برای آذربایجان باشد. به خصوص که از يك سو امریکایی ها به حمایت از مواضع آذربایجان در مورد رژیم حقوقی دریای خزر پرداخته اند و از سوی دیگر باکو در بین پنج کشور حوزه دریای خزر، بیشترین و عمده ترین همکاری نظامی را با کشورهای خارج از منطقه از جمله امریکا و رژیم صهیونیستی دارد.